

شیپور دوبارهٔ جنگ چقدر جدی است؟



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

دکترین امنیت ملی دولت ترامپ، سیاست «تغییر رژیم» در دولت‌های گذشتهٔ آمریکا را به باد سرزنش و انتقاد شدید گرفته است. سند استراتژی امنیت ملی ترامپ، صرف هزاران میلیارد دلار از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی برای «تغییر رژیم» در برخی کشورها را به قصد ایجاد سازوکار دموکراتیک و یا بسط ارزش‌های آمریکایی در سطح جهان را عملی احمقانه دانسته و قول به عدم تکرار آن داده است. از نگاه دولت ترامپ، یک الگوی موفق سیاسی، لزوماً یک الگوی دموکراتیک به شیوهٔ غربی آن نیست بلکه ایجاد ثبات و رونق اقتصادی و جلب رضایت عمومی از طریق رعایت سنت‌های تاریخی یک جامعه توسط حکومت، می‌تواند در جای خود الگوی موفق‌تری باشد. استراتژی امنیت ملی آمریکا به طور خاص از کشورهای عرب حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس یاد می‌کند که بدون الگوبرداری از نظام‌های سیاسی دموکراتیک توانسته‌اند به اقتصاد خود رونق دهند، نظم و ثبات لازم را پدید آورند و با تأسیس یک سلسله‌نهادهای مشورتی سنتی، رضایت رهبران قبایل و تودهٔ مردم را فراهم سازند.

به همین دلیل، سند امنیت ملی دولت ترامپ از کمک به هرگونه حرکت درون‌جوش بر‌خی جوامع برای ایجاد الگوهای سیاسی به‌شیوهٔ غربی استقبال می‌کند اما تحمیل چنین الگویی به جوامعی با تاریخ و سنت‌های متفاوت را به‌طور صریح مردود و مذموم می‌داند.

این در حالی است که شبکهٔ سی‌بی‌اس آمریکا از قول منابع ناشناس گزارش داده است که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل قرار است در سفرش به‌فلوریدا، ضرورت حملهٔ نظامی دوباره به ایران را با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به بحث و گفت‌وگو بگذارد. طبق گزارش این شبکه، نتانیاهو از تحرکات جمهوری اسلامی برای بازسازی صنایع غنی‌سازی اورانیوم و گسترش تولید موشک‌های بالستیک‌نگران شده و به‌همین دلیل در صدد است تا رئیس‌جمهور آمریکا را برای حملهٔ مجدد به خاک ایران متقاعد سازد.

دونالد ترامپ در ماه‌های گذشته به کرات از نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای ایران سخن به میان آورده و تأکید کرده است که «تهدید ایران» را عملاً خنثی کرده است. ترامپ به وضوح علاقه‌ای به حملهٔ دوباره به ایران نشان نمی‌دهد مگر آنکه بازسازی صنعت غنی‌سازی اورانیوم به طور جدی در دستور کار مقام‌های جمهوری اسلامی قرار گیرد. روشن است که گزارش‌های رسانه‌ای دربارهٔ تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی فوری صنعت غنی‌سازی افرایق آمیز است و به همین جهت ترامپ این گزارش‌ها را جدی نمی‌گیرد. ترامپ در واقع با تشدید انواع تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی علیه ایران، منتظر روزی نشسته است که مقام‌های جمهوری اسلامی با رویکرد و فرمول تازه‌ای، آمادگی خود را برای مذاکرهٔ مستقیم با آمریکا به قصد دستیابی به یک توافق همه‌جانبه و بلندمدت با آن، نشان دهند.

بر همین مبنا، ترامپ بحث حمله به ایران را بیشتر سناریویی از جانب نتانیاهو برای طفره رفتن از تعهداتش در برابر طرح آتش‌بس در نوار غزه قلمداد می‌کند و از این جهت به راحتی با خواست او همراهی نخواهد کرد. در عین حال، ترامپ می‌داند که حملهٔ دوباره به ایران شبیه حملهٔ جنگ ۱۲ روزه، تکرار رفتاری است که می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد. او خواهان تکرار این بازی نیست بلکه خواستار توافق با ایران برای حل مسئله به صورت «یک بار برای همیشه» است. ترامپ می‌داند که نتانیاهو حملهٔ دوباره به ایران را نه به قصد خنثی‌سازی «تهدید اتمی و موشکی» بلکه به منظور زمینه‌سازی برای «تغییر رژیم» دنبال می‌کند.

ترامپ اما همانطور که گفته شد، طبق سند امنیت ملی دولت او، با هر نوع سیاست «تغییر رژیم» در هر نقطه از جهان از جمله در ایران که هزینه‌ای جدی بر دوش آمریکا بگذارد، مخالف است. به عبارت دقیق‌تر، ترامپ تنها در صورتی از «تغییر رژیم» در ایران

حمایت می‌کند که هزینه مالی یا نظامی خاصی را بر بودجهٔ دولت آمریکا تحمیل نکند. از این رو، تا زمانی که نتانیاهو طرحی کاملاً روشن و بدون هزینه برای آمریکا در مورد «تغییر رژیم» در ایران ارائه نکند، کاملاً بعید است که ترامپ با آن همراهی نشان دهد. هر سیاست «تغییر رژیم» در درجهٔ اول نیازمند وجود یک آلت‌رناتیو یا جایگزین مشخص و اصطلاحاً «معتبر» است که مانع از بروز هرج‌ومرج و بی‌ثباتی افسارگسیخته و کنترل‌ناپذیر در یک کشور شود. در حقیقت، باراک اوباما درست به همین دلیل از ساقط کردن دولت بشار اسد در جریان بهار عربی اجتناب کرد.

ظاهراً کشورهای غربی بر این باورند که جمهوری اسلامی هنوز آلت‌رناتیو و جایگزین «معتبری» ندارد و به همین دلیل، از سیاست «تغییر رژیم» در ایران حمایت نمی‌کنند. این نکته‌ای است که حداقل مایک پمپئو وزیر خارجهٔ دولت اول ترامپ طی یادداشتی در سایت فاکس نیوز آن را مطرح اما در عین حال رد کرده است. گر چه پمپئو به عنوان یک «مقام سابق» در جایگاه تصمیم‌گیر قرار ندارد اما انتشار نوشته‌اش در فاکس نیوز نمی‌تواند کاملاً بی‌اهمیت و تصادفی باشد به‌خصوص اینکه یک روزنامه‌نگار اسرائیلی هم بعد از جنگ ۱۲ روزه همین مضمون را طی مقاله‌ای در جرورال‌پست منتشر کرده و حتی مدعی شده بود که این سازمان در جنگ ۱۲ روزه نیروهایش را به نفع اسرائیل در خاک ایران بسیج کرده است.

پمپئو بر این باور است که غرب نباید آلت‌رناتیو جمهوری اسلامی را در بین سلطنت‌خواهان و یا حامیان رژیم گذشتهٔ ایران جست‌وجو کند زیرا به نظر او اصلاً چنین آلت‌رناتیو وجود ندارد و مردم ایران نیز خواهان بازگشت نظام پادشاهی نیستند. در عوض پمپئو آدرس و مشخصات آلت‌رناتیو را داده است که به‌زعم او «سازمان یافته» و «دموکراتیک» است و بیش از چهار دهه است که با نظام حاکم بر ایران «مبارزه» می‌کند. او در واقع در یادداشتش همان ایده‌ای را مطرح کرده که بارها در تجمعات «سازمان مجاهدین خلق» آن را تکرار کرده است!

این در حالی است که همگان واقفند که به‌رغم ناراضیاتی عمیق مردم ایران از شرایط موجود، سازمان مجاهدین خلق به دلیل سابقهٔ تروریستی و همکاری آن با صدام حسین، در میان مردم ایران نه‌فقط جایگاهی ندارد بلکه مورد نفرت اکثریت بزرگی از آنان است. از نظر پمپئو و همفکران او در حزب جمهوریخواه آمریکا اما این موضوع اهمیت چندانی ندارد و عمیق‌تر شدن ناراضیاتی عمومی از وضع موجود در کنار نوسیدی آنها سلطنت‌خواهان و نیروهای مشابه آنها می‌تواند شرایط را تغییر دهد؛ به‌خصوص اگر کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای به نفع سازمان مجاهدین خلق در رسانه‌های غربی به جریان افتد!

این افراد ظاهراً مجاهدین خلق را نیروی سازمان‌یافته‌ای می‌پینند که برای ساقط کردن جمهوری اسلامی پایبند هیچ اصل و فرعی نیست و حاضر است به این منظور هر تعهدی را بپذیرد و به هر شی‌طی تن در دهد. از این رو، آن را مؤثرتر و کارآمدتر از دیگر گروه‌های اپوزیسیون برای خود می‌دانند. گرچه شرایط ایران بیش از حد متعارف پیچیده و بفرنج است و وضعیت آن مشابه هیچ کشور دیگری نیست، اما از زمانی که جبههٔ‌النصره به عنوان یک گروه اسلام‌گرای دارای سابقهٔ تروریستی به عنوان آلت‌رناتینورژیم اسد در سوریه ظهور کرده و مورد پذیرش کشورهای منطقه و جهان قرار گرفته است، الگوبرداری از آن هم گویی باب شده است. هنوز مشخص نیست که حرف پمپئو و امثال او در کاخ سفید و همینطور در دولت نتانیاهو چقدر خریدار داشته باشد، اما آنها هیچ گزینه‌ای هرچند ضعیف را نادیده نمی‌گیرند. به هر حال، تا زمانی که دولت آمریکا جایگزین مشخصی را برای جمهوری اسلامی پیدا نکند و حمایت مؤثر از آن را مستلزم خرج پول هنگفت نبیند، از سیاست «تغییر رژیم» در ایران حمایت نخواهد کرد. در عین حال تا زمانی که آمریکا برای «تغییر رژیم» در ایران آماده نشود از هیچ طرح گسترده‌ای برای حمله به خاک ایران چه به‌صورت مشترک و چه توسط اسرائیل پشتیبانی نخواهد کرد. شاید برخی حملات موردی و مقطعی در دستور کار باشد، اما حملهٔ گسترده فعلاً در چشم‌انداز دیده نمی‌شود؛ مگر آنکه پیشنهاد پمپئو مورد پذیرش دولت آمریکا قرار گیرد.

یک گزارش

تیتریک HEADLINE ONE

۲

گفت‌وگو با اعضای شورای شهر تهران درباره تغییر شرایط انتخاب شهردار

آئین نامه زاکانی باطل شد



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

روز گذشته یکی از موضوعاتی که در شورای شهر تهران مطرح شد؛ «تغییر آیین‌نامه تحصیلات شهرداران» و بازگشت آن به قبل از انتخاب زاکانی بود. آیین‌نامه‌ای که برای شهردار شدن علیرضا زاکانی توسط دولت سیزدهم دستکاری شده بود به گذشته بازگشت. سال ۱۴۰۰، علیرضا زاکانی، کاندیدی پوششی ریاست‌جمهوری به نفع ابراهیم رئیسی از انتخابات کنار کشید. به همین دلیل پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم باید از یک قدرت سهم می‌برد؛ سهمش شهرداری تهران بود. زمان انتخاب شهردار تهران در دوره ششم بارها اعلام شد که زاکانی به دلیل تحصیلاتش نمی‌تواند بر مسند شهرداری تکیه کند اما حامیان زاکانی در شورای شهر تهران اعلام کردند که اگر لازم باشد قانون را برای شهردار شدن زاکانی تغییر می‌دهند. آنها در این مورد تنها وعده ندادند بلکه با مصوب هیئت دولت (ابراهیم رئیسی) آیین‌نامه تحصیلات شهرداران را تغییر داده و پزشکی را هم در آن گنجاندد تا حرف خود را به کرسی بنشانند. اما عمر دولت سیزدهم زیاد نبود و با سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی و انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، کابینه و دولت تغییر کرد و حالا با گذشت بیش از یک سال از عمر دولت، آیین‌نامه تحصیلات شهرداران بار دیگر توسط دولت تغییر کرده و به پیش از دولت سیزدهم بازگشت: «شهرداران شهرهای با جمعیت بالاتر از ۲۰۰ هزار نفر باید دارای مدرک تحصیلی مرتبط با مدیریت شهری یا رشته‌های مشخص شده و حداقل پنج سال سابقه مدیریت در دستگاه‌های اجرایی باشند.» شهرداری تمام توان خود را به کار بست تا رشته پزشکی را هم در لیست تحصیلات شهرداران بگنجانند. مجید باقری، معاون برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شورای شهرداری تهران در این باره به هم‌میهن گفته بود: «کامل تقوی نژاد، دبیر هیئت دولت نامه‌ای را مبنی بر اضافه شدن رشته‌های پزشکی، برق و مکانیک به پیوست این مصوبه هیئت وزیران، به حسین کلانتری، دبیر کمیسیون سیاسی و امنیت ملی هیئت دولت نوشته است.» اما انگار این تلاش شهرداری هم راه به جایی نبرده و زاکانی باید پس از انتخابات سال آینده و شروع به کار دوره هفتم مدیریت شهری صندلی شهرداری تهران را به فرد دیگری تقدیم کند. حالا شورای شهر تهران در مسیر آزمون بسیار سختی قرار گرفته است.

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران با اشاره به اینکه هنوز این موضوع در هیئت دولت مصوب نشده است، تأکید کرد: «تغییر در مصوبه انتخاب شهردار در این دوره تأثیری ندارد و مربوط به شهرداران آینده است؛ همچنین هنوز هیئت دولت مصوبه‌ای در این زمینه تصویب نکرده است.» این اظهارنظر در حالی است که در دوره قبل (پنجم) مدیریت شهری محمدعلی افشانی به‌عنوان شهردار تهران انتخاب شد. چند ماه پس از فعالیت او قانون «منع به کارگیری بازنشستگان» مصوب شد و شورای شهر تهران اجباراً وارد پروسه انتخاب شهردار شد. شاید به همین دلیل است که مصوبه دولت به مذاق حامیان زاکانی در شورای شهر تهران خوش نیامده است.



قالیباف باز هم تهدید کرد، سخنگوی دولت پاسخ داد

آغاز استیضاح‌های زنجیره‌ای؟

گروه خبر: صحن مجلس دیروز، فضایی ضدولتی داشت؛ فضایی که با اظهارات رئیس و نمایندگان مجلس ساخته شد و هرچند بهانه‌اش وضعیت معیشتی سخت مردم، تورم، گرانی و افزایش نرخ دلار و طلا بود، اما تهدیدهایی که به دنبال آن آمد ارتباطی منطقی و سازمانی با این مشکلات نداشت. بویی از مسائلی مانند تحریم، قفل شدگی امور مربوط به سیاست خارجی که بخشی از آن به مجلس برمی‌گردد و شرایط «نه جنگ، نه صلح» کشور نیز نداشت. به‌رغم شرایط سخت معیشتی مردم که نه قابل کتمان است و نه آفتی برای بهبود آن به چشم می‌خورد، نمایندگان مجلس مشخص نکردند هر بخشی از این گرانی‌ها، افزایش تورم و به‌خصوص افزایش قیمت کالاهای اساسی به کدام‌یک از وزرا ارتباط پیدا می‌کند. در جلسه روز یکشنبه مجلس، کمتر نماینده‌ای در صحبت‌های خود به محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی می‌پرداخت که سال گذشته و به دنبال تغییر دولت، از سوی مسعود پزشکیان ابقاء شد. ضمناً این سوال نیز مطرح هست که با استیضاح عبدالناصر همتی در اسفند ۱۴۰۳ با مانور بر این شعار که نرخ ارز کنترل خواهد شد، آیا تأثیری بر این روند گذاشت یا نه؟

▲ کابینه تر میم نشود، استیضاح خواهیم کرد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در جلسه دیروز گفت: «آنچه امروز مهم‌تر است به‌آن بپردازیم، دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در گرانی افسارگسیخته کالاهای معیشتی مخصوصاً افزایش قیمت ارز و طلاست که یا بخشی از دلایل یا بهانه گرانی‌ها محسوب می‌شود، لذا مجلس با جدیت این مسئله را پیگیری خواهد کرد.» او ادامه داد: «در هفته‌ای که نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه پیگیر مسائل منطقه‌ای بودند، این‌جانب به‌عنوان رئیس مجلس و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و برخی دیگر از نمایندگان در جلسات متعدد با وزرا و اعضای هیئت دولت، گرانی‌ها و افزایش قیمت ارز را مورد بررسی قرار دادیم و در هفته‌ی جاری، جلسه نظارتی سه‌شنبه نیز با حضور وزرای امور اقتصادی، جهاد

گفت‌وگو با اعضای شورای شهر تهران درباره تغییر شرایط انتخاب شهردار

▼ پزشکيان فاقد صلاحيت شهردار شدن است

احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران دولت و مجلس را به همدستی برای مهندسی انتخابات و مدیریت شهری متهم کرده و در صحن شورای شهر تهران گفت: «مجلس و دولت در تاریخ هفتم آبان ماه سال جاری و در آستانه انتخابات شوراهای اسلامی شهر، آیین‌نامه اجرایی رشته‌های تحصیلی مرتبط با انتخاب شهردار را تغییر دادند. در این اصلاحیه، ماده (۴) آیین‌نامه پیشین که بر اساس آن کلیه افرادی که حداقل سه سال به صورت متوالی یا متناوب در سمت شهردار فعالیت داشته‌اند، صرفاً از شرط دارا بودن مدرک تحصیلی در رشته‌های مندرج در آیین‌نامه معاف می‌شدند را حذف کردند. با این اصلاحیه و حذف ماده (۴) و محدودسازی رشته‌های تحصیلی، عملاً بسیاری از مدیران باسابقه و شناخته‌شده کشور را از دایره شهردار شدن خارج کرد. این تغییر در ظاهر با شعار «تخصص گرایی» صورت گرفته اما در عمل و به طور غیر مستقیم افراد خاص با سوابق سیاسی را کنار می‌گذارد. چنین اقدامی نه تنها ظرفیت‌های ارزشمند ملی را از دسترس شوراهای شهر خارج می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای مهندسی ترکیب مدیریت شهری تلقی شود؛ اقدامی که استقلال شوراها در انتخاب شهردار را به شدت مخوش می‌سازد.» او افزود: «تجربه مدیریت شهری نشان داده است که اداره کلان شهرها نیازمند ترکیبی از دانش تخصصی، تجربه اجرایی و شناخت اجتماعی است و نه صرفاً دارا بودن مدرک دانشگاهی در رشته‌ای محدود. بر اساس همین مصوبه، حتی رئیس جمهور کشور، جناب آقای دکتر پزشکیان، فاقد صلاحیت برای تصدی شهرداری تهران تلقی می‌شوند. نه تنها ایشان، بلکه بسیاری از چهره‌های برجسته سیاسی و مدیریتی کشور نیز، با وجود سابقه طولانی در اداره کلان شهرها و نهادهای ملی، دیگر امکان حضور در قابت برای تصدی مناصب شهرداری را نخواهند داشت. این نمونه به روشنی نشان می‌دهد که آیین‌نامه جدید، به جای ارتقای کیفیت مدیریت شهری، عملاً به حذف گزینشی و سیاسی چهره‌های برجسته منجر شده است.»

صادقی تأکید کرد: «پیامدهای اجرای این آیین‌نامه محدود شدن دایره انتخاب شوراها به گروهی اندک و غیرمتنوع، کنار گذاشتن تجربه‌های مدیریتی ارزشمند و شناخته‌شده و تضعیف استقلال شوراها و تبدیل آیین‌نامه به ابزاری برای مهندسی سیاسی، به‌ویژه در ایام انتخابات شورای شهر است. از دولت و وزارت کشور انتظار می‌رود این آیین‌نامه را بازنگری کند و رشته‌های مدیریتی و اجرایی متنوع‌تر را بپذیرند. دولت و مجلس باید استقلال شوراها را در انتخاب شهردار رعایت کند و اجازه ندهد مقررات اداری به ابزاری برای حذف سیاسی و مهندسی ترکیب مدیریت شهری بدل شود.»

▼ زاکانی برای شهرداری رای مجدد نمی‌آورد

علی اصغر قائمی، دیگر عضو شورای شهر تهران درباره این موضوع به هم‌میهن گفت: «طبیعتاً موضوع آقای زاکانی ابقا و ماندن هست. برخی از دوستان شورای شهر هم موافق نظر ایشان هستند. تذکر یکی از همکاران مادر صحن نیز مبنی بر همین موضوع بود. ولی آقای زاکانی مخالفان جدی هم در شورای شهر تهران دارد و اگر بنای انتخاب مجدد ایشان باشد، فکر نمی‌کنم رای بیاورد. حتی هستند کسانی که قبلاً به ایشان رای داده‌اند و ظاهراً ممکن است در طبیفی از طرفداران آقای زاکانی محسوب شوند، ولی اگر یای رای جدی و



گزارش دو

کشاورزی، صنعت و رؤسای سازمان برنامه بودجه و بانک مرکزی برای جلوگیری از کاهش قدرت خرید مردم، اجرای قانون کالابرج و مدیریت بازار از اختصاص یافته است.» قالیباف گفت: «بدیهی است در صورتی که این اقدامات به نتیجه نرسد برای رسیدن به کمترین زمان و تنش، اولویت با تر میم کابینه توسط دولت است و اگر اصلاحات ضروری توسط دولت صورت نگیرد، نمایندگان مجبور به آغاز فرآیند استیضاح خواهند شد.»

▼ اولتیماتوم به دولت کافی است

در جلسه دیروز برخی نمایندگان نیز انداختن تمام تقصیرها درباره وضعیت امروز کشور بر گردن دولت را بی‌انصافی دانستند. اما اکثر آن‌ها تیغ انتقاد را تنها به سمت پزشکیان و تیم اقتصادی او گرفتند.

محمدتقی نقدعلی، نماینده خمینی‌شهر در تذکری با اشاره به صحبت‌های قالیباف گفت: «در ابتدای سخن، شما درباره گرانی‌های جانکاه برنج که ظرف یک هفته ۵۰ هزار تومان افزایش داشته، باز هم به دولت اولتیماتوم دادید، اولتیماتوم‌ها را تمام کنید؛ نوبت داغ گذاشتن رسیده است. سخنگوی دولت می‌گوید عذر خواهی می‌کند، ولی عذر خواهی به چه درد می‌خورد؟ ایشان پشت تریبون باید و بگوید ما پدر گران‌فروشان و محترمان را در می‌آوریم.» نقدعلی در ادامه سخنان خود خطاب به پزشکیان گفت: «شما یک خانم را گذاشته‌اید که توان انجام حداقل یک نطق کوبنده علیه گران‌فروشان را ندارد. این چه نوع مدیریت جامعه است؟ امروز در همه کشور مجلس را ساقط از جایگاه خود می‌دانند چون با دولت مناشات می‌کند. آقای قالیباف نباید آخر نطق خود می‌گفتید اگر چنان می‌کرد ما چنان می‌کنیم، بگویید ما این هفته استیضاح را می‌آوریم، دیگر بس است؛ اولتیماتوم‌ها کفایت می‌کند. بگویید این هفته ما استیضاح را به‌صحن علنی بیاوریم. دیگر این گرانی‌ها قابل تحمل نیست و بخش مهمی از آن ناشی از سوءمدیریت اجرایی است.» آقای قالیباف، کالیست؛ دیگر اولتیماتوم و فرصت دادن به دولت کافی است.»

ادامه سر مقاله

در ماده ۷۲ آمده است که: «به منظور تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قطب تأمین سلامت منطقه جنوب غرب آسیا، دستیابی به صادرات سالانه بیش از یک میلیارد یورو دارو و ایمن‌ساز (واکسن) و بیش از یک میلیارد یورو تجهیزات پزشکی، افزایش درآمد سالانه کشور از گردشگری سلامت به شش میلیارد یورو و افزایش درآمد سالانه حاصل از جذب دانشجویان خارجی در رشته‌های علوم پزشکی به بیش از هفتصد میلیون یورو…» تقریباً ردیف‌های درآمدی بودجه سالانه مجلس کمایش مشابه همین ماده است که گویی عده‌ای در خیالات و خواب چنین مده‌ای را نوشته‌اند. آیا مثلاً نمایندگان نمی‌دانند که وضع دارو و دستمزدها و صنایع پزشکی وضع دانشگاه‌ها و جذب دانشجوی پزشکی چگونه است که چنین ارقام کیهن‌شانی را برای درآمد‌های این وزارتخانه نوشته‌اند؟ نمایندگان در بهترین حالت می‌توانند دولت را نسبت به کوتاهی در انجام وظایفش در اجرای قانون مورد سوال قرار دهند؛ البته به‌شرطی که قانون قابلیت اجرا شدن داشته باشد. تازه نمایندگان مجلس، اضافه بر قانون نویسی در عزل و نصب‌ها و امور اجرایی هم به‌وفور دخالت می‌کنند. از این منظر دولت به مراتب بیش از مجلس